

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمی دوران
فرستنده: عثمان حیدری
۲۰ سپتمبر ۲۰۱۹

سرمایه داری گور ما را می‌کند!



جهانی که در آن زندگی می‌کنیم متناهی است. منابع لامتناهی و جاودانی ندارد و با رویارویی ما با فاجعه اقلیمی زود هنگام با شتاب به نقطه غیر قابل بازگشت نزدیک می‌شود. اگر می‌خواهیم بشریت را نجات دهیم و جهان را برای نسل‌های آینده حفظ کنیم باید شیوه زندگی خود را فوراً از ریشه دگرگون نماییم. ما در باره دستکاری در اینجا و دستکاری در آنجا، استفاده از نیروی باد و انرژی خورشیدی، کمتر خوردن گوشت، یا استفاده کمتر از نفت صحبت نمی‌کنیم: منظور ما یک دگرگونی کلی در شیوه‌ای است که با کره زمین برخورد می‌کنیم و زندگی خود را می‌گذرانیم. این‌طور نیست که تاکنون بسیار موفق بوده ایم. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که هشت نفر بیش‌تر از نیمه فقیر جمعیت جهان ثروت انباشت کرده اند. جهانی که در آن میلیون‌ها نفر گرسنگی می‌کشند و دیگران در تجمّل زندگی می‌کنند؛ و این تضادها به یک دیگر وابسته اند.

بخش بسیار کوچکی از بشریت اکثریت عظیم منابع و ثروت را کنترل می‌کند. این کنترل به وسیله دولت‌ها تسهیل می‌شود. هر جا که منابع مورد نظر باشد، دولت‌ها در درون حوزه نفوذ خود با هیچ یا اندک دغدغه برای خسارت جنبی برای دست یافتن به آن‌ها جنگ به راه می‌اندازند.

برآورد اشاعه گازهای گلخانه‌ای معمولاً به میزان انرژی و سوخت مورد استفاده غیرنظامیان نگاه می‌کند؛ اما ارتش ایالات متحده یکی از بزرگترین آلوده کنندگان در تاریخ است، بیش‌تر از اکثر کشورهای متوسط سوخت مایع استفاده می‌کند و گازهای تغییردهنده اقلیم اشاعه می‌دهد.

ثروتمندترین بخش‌های جهان مقادیری بسیار بیش‌تر از آنچه کره زمین تأمین می‌نماید، مصرف می‌کنند. مصرف‌گرایی رفتار طبیعی انسان نیست: برای آفریدن مصرف‌گرایی ما شب و روز با آگهی‌های تجاری بمباران می‌شویم. سرمایه‌داری برای انگیزه دادن به این نوع رفتار سازماندهی شده است.

رشد دایم یک بخش ذاتی نظام سرمایه‌داری است. بدون رشد انباشت وجود ندارد؛ بدون مصرف انباشت وجود ندارد. سرمایه‌داری مردم را متقاعد می‌کند که برای داشتن یک زندگی شاد و سالم به بسیار بیش‌تر از آن‌که ضروری است، نیاز دارند.

مردم سلامت، شادی، روابط، خانواده، جامعه، کسب دانش را آرزو دارند. همه نیازهای دیگر ساخته نظام است. سرمایه‌داری به وسیله اضافه تولید، اضافه مصرف، اتلاف، حرص، و نابرابری مردم را فرو گذاشته است. همه این عوامل برای بقای سرمایه‌داری ضروری می‌باشند؛ اما بقای سرمایه‌داری با بقای زندگی در این کره زمین سازگار نیست. سرمایه‌داری کره زمین را به لبه فاجعه سوق داده است.



پس چه باید کرد؟

به این می‌ماند که همه ما در یک کشور که زیر سطح بحر واقع شده و به وسیله سدها و پمپ‌ها حمایت می‌شود، زندگی می‌کنیم. این سدها نشأت می‌کنند.

این به اندازه کافی بد است، اما اگر ما شیوه زندگی خود را تغییر ندهیم جریان نیز سریعتر از آنکه ما بتوانیم سد را بالا بیاوریم بالا می‌آید. اگر قرار است باقی بمانیم باید سدها را بالا بیاوریم، جلوی نشت‌ها را بگیریم، و پمپ‌ها را حفظ کنیم. در عمل کاری که می‌کنیم این است که سدها را پائین می‌بریم، نشت‌ها را نادیده می‌گیریم، و از مواد لازم برای تعمیر آسیب‌ها برای ساختن کاخ‌های شنی استفاده می‌کنیم، که موجب نشت‌های بیشتر و اضافه‌بار پمپ‌ها می‌شود. وقت تنگ است. ما، **هم‌اکنون**، باید شدیداً تغییر کنیم.

یاید دولت‌ها را به حکومت برای سعادت، رضایت، و شادی شهروندان، با توجه به محدودیت‌های محیط زیست ما وادار نمود، تا به جای انباشت برای نخبگان و به زیان هر کس دیگر، بشریت بتواند باقی بماند و پیشرفت نماید.

ما به تغییر نظام نیاز داریم- به یک اقتصاد به سود همگان- برای تأمین نیازهای بشریت به جای افزایش تولید ناخالص داخلی، سهم بازار، و انحصار. این حتا اگر زمانی با بقاء همساز بود، دیگر نیست.

ما به متوقف ساختن تولید کالاهای غیرضروری و تمرکز بر نیازهای واقعی کل جامعه نیاز داریم.

برای بقاء ما باید شیوه زندگی‌مان را- چه تولید می‌کنیم، چه مصرف می‌کنیم، و چگونه حکومت می‌کنیم- کاملاً تغییر دهیم.



این یک شبه رخ نخواهد داد و این به تغییر نظام و به یک تلاش آموزشی و سیاسی جمعی جهانی نیاز دارد.

ما به خدمات اولیه برای همه- در مسکن، بهداشت، آموزش، ترابری، مراقبت کودک و مراقبت از سالمندان- از طریق سرمایه‌گذاری عمومی نیاز داریم. با حذف عامل سود، زندگی هم از نظر محیط زیستی و هم از نظر مالی پایدارتر خواهد شد.

مدارس خصوصی، ترابری خصوصی، بیمارستان‌های خصوصی و مسکن خصوصی منابع را هدر می‌دهند و گرداندن و استفاده از آن‌ها گران‌تر است. این به نوبه خود مستلزم کار بیشتر است که کالاها و خدمات غیرضروری بیشتر تولید می‌کند، و در یک چرخ فلک تباہ‌کننده محیط زیست از منابع بیشتر استفاده می‌کند.

مالکیت عمومی تنها شیوه کارآمد، و پایدار تأمین نیازهای زندگی برای همه است.

تولید باید کارآمد و محدود به کالاهای ضروری باشد. ما باید ضایع کردن را متوقف کنیم. در جهانی که این همه مردم از گرسنگی رنج می‌برند ما یک‌سوم کل غذای تولید شده را ضایع می‌کنیم. این باید **هم‌اکنون** متوقف شود. کالاهایی که تولید می‌شوند باید طول عمر بسیار بیش‌تری داشته باشند، بدون منسوخ شدن طراحی شده و به جای این‌که پس از یکی دو سال از محل دفن زباله یا کوره زباله‌سوز سر درآوردند، باید برای تعمیر مناسب باشند.

کل تولید، منابع و توزیع باید تحت کنترل عمومی و برنامه‌ریزی مرکزی قرار بگیرند. تصمیمات باید از دست بانکداران و شرکت‌ها، که ما را به مغاک کشانده اند، خارج شوند.



این یک نوع کمبود یا اشکال موقت نیست: این وضعیت اضطراری جهانی است. روزا لوکزامبورگ نوشت:

«جامعه بورژوائی بر سر دو راهی قرار دارد، یا گذار به **سوسیالیسم** یا بازگشت به **پرپریت**.»

فقط **سوسیالیسم** پنانسیل متوقف ساختن فاجعه محیط زیست و ساختن یک جهان بهتر را- که کل بشریت بتواند در آن پیشرفت نماید- دارد.

منبع: صدای سوسیالیستی، نشریه حزب کمونیست ایرلند

تارنگاشت عدالت